



راهبردهای فرهنگی امام رضا علیه السلام در نیل به

وحدت اسلامی طی دوران ولایت‌عهدی در ایران

دریافت: ۱۴۰۰/۸/۲۶ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵

سید علاء‌الدین شاهرخی^۱

چکیده

فعالیت‌های گروه‌های مسلح و فرقه‌های مذهبی ناهمگون، با ادعای پیروی از اسلام در قرن‌های نخستین هجری موجب شده بود که فضای فرهنگی جهان اسلام جولانگاه اختلاف، کینه‌ورزی و خشونت دستگاه خلافت و گروه‌های مختلف مسلمان نسبت به یکدیگر گردد. این روند در آستانه خلافت مامون عباسی به اوج خود رسید. تحمیل ولایت‌عهدی از جانب مامون بر امام رضا علیه السلام و حضور ایشان در ایران فرصت مناسبی برای پیگیری و تحقق آرمان‌های ارزشمند وحدت‌گرایی در جامعه پر از آشوب توسط امام بود.

این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر منابع و داده‌های روایی و تاریخی می‌کوشد به پاسخ این پرسش بپردازد که راهبردهای فرهنگی امام رضا علیه السلام به‌عنوان یک دانشمند و رهبری دینی برای ایجاد وحدت در میان مسلمانان چه بود؟ یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که امام با محوریت رهنمودهای قرآن مجید و سنت نبوی در منصب جدید و در پایتخت در ایران با اتخاذ راهبردهای فرهنگی هدفمند و کارآمد بیشترین بهره‌برداری را برای نیل به وحدت اسلامی کرد. آن حضرت مهم‌ترین عنصر تاثیرگذار را در نوع نگرش و تفکر جامعه دانست و راهبردهای فرهنگی خود را نیز بر این اساس سامان‌دهی کرد. در این زمینه، گفت‌وگو بین مسلمانان یا با غیرمسلمانان به‌جای دستور قتل مخالف اعتقادی به‌کار گرفته شد؛ نقش و جایگاه مقام امام در این چهارچوب تبیین شد؛ ارتقای آگاهی عالمان و عامه مردم از حقایق دینی و نه توهّمات منحرفان محور قرار گرفت و سرانجام اینکه در تمامی شرایط بر حسن خلق و رعایت احترام و کرامت انسان‌ها تاکید شد.

کلیدواژه‌ها: قرآن مجید، امام رضا علیه السلام، وحدت اسلامی، راهبردهای فرهنگی، ایران.

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان: shahrokhia@lu.ac.ir

مقدمه

در چگونگی روابط انسان‌ها با یکدیگر در جامعه، دو نوع گرایش مرکزگرایی و مرکزگریزی وجود داشته است. مرکزگرایی به معنای حرکت در داخل یک مسیر مشترک و جهت آن به سمت مرکزی است که همگان با یکدیگر حرکت می‌کنند؛ اما مرکزگریزی یعنی گریز از قبول این امر که همه مردم اعضای یک خانواده و اخلاف آدم و حوا هستند. برخی صاحب‌نظران بر این باورند که جامعه را می‌توان گروه‌بندی متمایز و به‌هم پیوسته‌ای از افراد انسانی دانست که در مجاورت یکدیگر زندگی می‌کنند و رفتارشان با عادات، هنجارها و اعتقادات مشترک فراوانی مشخص می‌شود که آن را از گروه‌بندی‌های انسانی دیگر که عادات، هنجارها و اعتقادات آشکارا متفاوتی دارند متمایز می‌کند (راش، ۱۳۷۷: ۹)؛ بر این اساس جامعه استعداد و قابلیت وحدت و اختلاف را توأم دارد.

در طول تاریخ در درون اجتماعات بشری همواره اختلافات و کشمکش‌های پایان‌ناپذیر وجود داشته است. جامعه اسلامی نیز بخشی از جوامع بشری و مجموعه‌ای متشکل از اکثریت مردم مسلمان و برخی پیروان دیگر ادیان دارای اعتقادات و آرمان‌های دینی هستند؛ بر اساس نگاه قرآن می‌توان جامعه اسلامی را تحقق نظام الهی در یک قلمرو خاص دانست، همان‌گونه که حضرت ابراهیم علیه السلام می‌فرماید: و از نسل ما امتی فرمانبردار خویش پدید آور (بقره، ۱۲۸).

یکی از اهداف مهم اجتماعی پیامبران و امامان شیعیان، تلاش برای ایجاد همدلی تحت آرمان‌های الهی در میان مردم بوده است. البته این هدف مهم در صورت همراهی مردم با آنان امکان تحقق می‌یافت. امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به‌عنوان یکی از این امامان و رهبران شیعه با وجود موانع بسیار، اقدامات سنجیده و اثرگذاری در کاهش اختلافات و برداشتن گام‌های سنجیده و مفید فرهنگی برای دستیابی به وحدت اسلامی انجام داد که ضرورت دارد، بررسی شود. دوران امامت آن حضرت گویای شرایط پیچیده و بغرنجی در جهان اسلام است که به رهبری اندیشمند و مصلح برای طرح راهبردهای فکری و فرهنگی با اولویت وحدت‌طلبی نیاز مبرم داشت. گسترش فتوحات اسلامی، پیوستن

قومیت‌ها و نژادهای مختلف به پیکره جهان اسلام، طرح افکار و عقاید گوناگون و گاه متضاد در میان مردم در ظاهر و قالب اسلامی، سرکوب بی‌رحمانه مخالفان خلافت اسلامی در کنار برخی عوامل دیگر موجب شکل‌گیری انواع گروه‌ها و نحله‌های فکری و سیاسی ناهمگون در جامعه شده بود، به گونه‌ای که در سرتاسر سرزمین‌های پهناور خلافت اسلامی اختلاف، تکفیر گروه‌های رقیب، کشتار مسلمانان به دست یکدیگر یا توسط خلافت حاکم شده بود.

سه سال پایانی دوران امامت ۲۰ ساله حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، از اواسط سال ۲۰۱ قمری تا آخر ماه صفر ۲۰۳ مصادف با حضور ایشان در دربار خلیفه مامون در مرو بود. پس از تحمیل مقام ولایت‌عهدی به امام رضا (علیه السلام) و احضار ایشان به ایران، آن حضرت بیش از گذشته در معرض اذهان عمومی و جامعه اسلامی قرار گرفت؛ با توجه به اختلافات و کشمکش‌های گسترده میان مسلمانان، این سوال اساسی به ذهن متبادر می‌شود که امام در این موضوع بنیادی و بسیار مهم چه موضعی برگزید و چنانچه برای ایجاد وحدت و از میان بردن اختلافات در جامعه اسلامی تلاش کرد چه اندیشه‌ها و راهبردهایی را برگزید؟

آنچه ضرورت این پژوهش را دوچندان می‌کند، وقایع و حوادث ناگوار و مصیبت‌آمیزی است که در طول تاریخ در میان مسلمانان در قالب کشتارها و ترورها اتفاق افتاده و متأسفانه حتی در این دوران نیز ادامه دارد. هدف اساسی این تحقیق دستیابی به ایده‌ها، تعالیم و دستورالعمل‌های این امام هدایت‌گر در خصوص چگونگی نیل به وحدت در میان مسلمانان است.

با وجود اهمیت و ضرورت موضوع وحدت در سیره امام رضا (علیه السلام)، در این خصوص مطالعات محدودی انجام و گاه به اختصار در ضمن مطالب دیگر بحث شده است. محمد صالحی و دیگران (۱۳۸۴) در کتاب سیره امام رضا (علیه السلام)، به سیره اخلاق اجتماعی (مردم‌داری) و همچنین آگاهی بخشی در زندگانی امام توجه کرده است. محمد حکیمی (۱۳۸۸) در کتاب امام رضا (علیه السلام): زندگی و اقتصاد، با محوریت نگرش امام در موضوعات اقتصادی به مبحث

کرامت انسان و حقوق او از دیدگاه آن حضرت نیز پرداخته است. جلال درخشه و سیدمهدی حسینی فائق (۱۳۹۱) در کتاب سیاست و حکومت در سیره امام رضا (علیه السلام)، علاوه بر مباحث سیاسی به برخی فعالیت‌های فرهنگی امام نیز توجه کرده‌اند. فاطمه معتمدنگرودی و محمدرضا بارانی (۱۳۹۷) در مقاله راهبردهای دستیابی به بینش وحدت اسلامی در کلام رضوی از معدود پژوهش‌های مرتبط به موضوع است که بر محور گفتارهای وحدت بخش امام نگارش یافته است.

۱. تعریف و نقش راهبردهای فرهنگی در دستیابی به فرهنگ مطلوب

واژه «راهبرد» معادل فارسی «استراتژی» و برگرفته از کلمه یونانی استراتگوس^۱ و مرکب از دو لغت استراتو^۲ یعنی قشون و آگاس^۳ به معنای فرمانده است. در واقع، راهبرد در ابتدا یک اصطلاح نظامی بوده (روشندل، ۱۳۷۰: ۲۳۵-۲۴۲)، ولی پس از ورود به حوزه سایر علوم به معنای برنامه، سیاست، نقشه و تدبیر به کار رفته است (عمید، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۶۷). گاهی نیز آن را هنر علم و فن و هدایت و رهبری یک مجموعه و نظامات مربوط به امری خاص تعریف کرده‌اند (آراسته‌خو، ۱۳۷۰: ۴۱) واژه راهبرد در اصطلاح به معنای سیاست کلی برای دستیابی به مقصود و به کارگیری بهتر امکانات برای رسیدن به هدف است (انوری، ۱۳۸۱، ج ۱: ۳۷۲). در این پژوهش، این واژه به معنای هنر طرح‌ریزی و دانش ترکیب و تلفیق عملیات کارکردها و کنش‌های مختلف برای دستیابی به اهدافی مشخص با تجهیز همه امکانات انسانی، سیاسی، نظامی و معنوی است.

«فرهنگ» واژه‌ای است که از آن تعاریف متعددی ارائه شده، زیرا دیدگاه‌ها و پندارها گوناگون است. برای نخستین بار در سال ۱۸۷۱ م تیلور^۴ مفهوم فرهنگ را این‌گونه تعریف کرد: «فرهنگ، کلیت درهم تافته‌ای است شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات

1. Strategus
2. Stratus
3. Agaugus
4. Tylor

و هرگونه توانایی و عادت‌هایی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می‌آورد (آشوری، ۱۳۵۷: ۳۲)، سپس تعاریف بسیار دیگری از آن مطرح شد؛ از جمله آدلونگ^۱ و هردر^۲ فرهنگ را پرورش پیش‌رونده استعدادها و توانمندی‌ها تعریف کرده و آدلونگ آن را ادب‌آموزی و پیرایش دانسته است (همان: ۳۰-۳۱).

در این پژوهش منظور از فرهنگ، باورها، رفتارها و ارزش‌های موجود در حیات یک ملت است. راهبرد فرهنگی برای تغییر در فرهنگ موجود است. ممکن است تصور شود که فرهنگ‌ها برای حفظ خود در مقابل تغییر پایداری و مقاومت نشان می‌دهند؛ چنین به نظر می‌رسد که وقتی بنا بر شرایط و ضرورت‌های زندگی اجتماعی پدیده‌ای فرهنگی زاییده می‌شود، همچون قانون اینرسی (مانند) در فیزیک و نظیر مفهوم نیروی عادت^۳ انسان را وامی‌دارد تا راه‌های رفته را ادامه دهد و از گزینش راه‌های جدید دوری گزیند و مفهوم اصطلاح خودمختاری کنشی^۴ (یعنی تداوم یک رفتار در غیاب انگیزش ابتدایی و اصلی در روان‌شناسی (لمان، ۱۳۵۲، ج ۱: ۴۶۶-۴۶۷) تمایل دارد که تا حد امکان به حیات خود ادامه دهد، اما واقعیت این است که عناصر فرهنگی هر جامعه در عین تمایل به بقا بر اثر عواملی مختلف دچار تغییر و تحول نیز شده‌اند. در واقع راهبردهای فرهنگی روش‌های مهم، کارآمد و اثرگذار فکری و اعتقادی برای دستیابی به فرهنگ مطلوب است.

۱-۱. اهمیت و ضرورت وحدت در قرآن و سنت

وحدت در لغت به معنای یگانه شدن، یکتایی، یگانگی، انفراد و تنهایی است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۵: ۲۳۱-۲۳۵)؛ به نظر راغب، وحده به معنی انفراد است، واحد در اصل چیزی است که مطلقاً جزئی ندارد، سپس آن در هر موجود به کار می‌رود (راغب اصفهانی: ۵۱۴). وحدت و اتحاد در لغت هر دو از یک ماده تشکیل شده‌اند به معنای یکی بودن (الفراهیدی،

1. Adelong
2. Herder
3. force of habit
4. Functional Autonomy

۱۹۸۸م، ج ۳: ۲۸۱). در اصطلاح اسلامی این واژه عبارت است از همبستگی مسلمانان بر مشترکات و مسلمت دین اسلام در آمال و مقاصد آن با حفظ و رعایت مرزها که به منزله مجموعه واحد به شمار آیند (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ج ۵: ۲۲۹). این تعریف در تضاد با قرآن نیست، زیرا با وجود بعضی از اختلاف‌ها، فرقه‌های اسلامی ناگزیرند با هم کنار بیایند تا اهداف مشترك امت اسلامی تحقق یابد. از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه اگر حصول وحدت حقیقی يك باره ممکن نباشد، حصول تدریجی آن امکان‌پذیر است (مطهری، ۱۳۸۳: ۲۱۲-۲۱۶).

در عصر رسالت، وحدت و برادری در میان یاران رسول خدا ﷺ تحقق یافت، اما پس از رحلت ایشان اختلاف، تفرقه و تنازع به تدریج در سرتاسر جامعه اسلامی گسترش یافت^(۱). در کلام وحی، تفرقه عامل عذاب و هلاکت انسان‌ها قلمداد شده، چنان‌که می‌فرماید: «ای پیامبر، بگو که خداوند قادر است عذابی بر شما از بالای سرتان یا زیر پایتان برانگیزد یا بر شما لباس تفرقه بپوشاند و بچشاند بعضی را عذاب بعضی دیگر را بنگر چگونه آیات خود را به راه‌های مختلف بیان می‌داریم، شاید مردم بفهمند» (انعام، ۶۵).

اهمیت و ضرورت اتحاد در میان مسلمانان در گفتار و اقدامات رسول گرامی اسلام و امامان معصوم (علیهم‌السلام) کاملاً مشهود است که به‌عنوان شاهد تنها به چند نمونه اشاره می‌شود. پیامبر اکرم ﷺ در اوایل حضور در مدینه طی پیمان‌نامه‌ای عمومی مؤمنان و مسلمانان از گروه‌های مختلف را امت واحد قلمداد کردند (ابن هشام، ۱۳۷۴ق، ج ۱: ۵۰۰). آن حضرت در اقدامی بی‌سابقه و اثرگذار، مهاجران و انصار را که به ترتیب از اعراب شمالی (عدنانی) و اعراب جنوبی (قحطانی) بودند، دو نفر، دو نفر با یکدیگر برادر اعلام کرد (بلاذری، ۱۴۲۴ق، ج ۱: ۳۱۸)، رسول اکرم ﷺ برای زدودن کامل ریشه‌های اختلاف و برتری طلبی برخی بر دیگران اعلام کرد که همه انسان‌ها فرزند آدم هستند و آدم از خاک بود و هیچ عربی بر غیر عرب برتری ندارد مگر با تقوا (یعقوبی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۱۱۰).

امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) نیز تأکید فراوانی بر وحدت اسلامی کرد. از جمله فرمود: «مردم

شما امواج آشوب را از طریق کشتی‌های نجات بشکافید. از راه ایجاد اختلاف منحرف گردید، تاج‌های افتخار را کنار بگذارید» (بیهقی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۱۳۹). امام در جریان حکمیت که به اشکال گوناگون جامعه اسلامی دچار اختلاف و تشتت شده بود، طی نامه‌ای علاقه‌آفر خود به وحدت امت اسلام را اظهار داشت و فرمود: «در میان مردم کسی علاقه‌مندتر از من به اتحاد و الفت میان ملت محمد ﷺ یافت نمی‌شود. من برای علاقه به اتحاد، به ثواب خدا و انجام شایسته چشم دوخته‌ام» (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: ۸۴۲). دیگر امامان شیعه هر يك در عصر خود ضمن حفظ اصول با وجود مشکلات و محدودیت‌ها، سردمدار جریان وحدت اسلامی و انسانی بودند و تفرقه را نمادی از جاهلیت قلمداد می‌کردند.^(۳)

۱-۲. دوران ولایت عهدی امام رضا (علیه السلام)؛ اوج اختلاف‌ها و دشمنی‌ها

دوران امامت امام رضا (علیه السلام) که سه سال پایانی آن دارای مقام ولایت عهدی نیز بود، از سال ۱۸۳ تا ۲۰۳ قمری معاصر با سه خلیفه عباسی (هارون الرشید، امین و مأمون) بود. در این ایام به علل گوناگون دامنه اختلافات سراسر سرزمین‌های پهناور اسلامی را در بر گرفته بود؛ به جای خاندان رسالت و افراد شایسته، امور خلافت برعهده افراد نالایق و فاسد بود. برخی از مفاسد و پلیدی‌های این خلفا در منابع ذکر شده است.^(۳) هارون الرشید در گسترش احادیث خرافی و جعلی منسوب به پیامبر اکرم ﷺ و ارج دادن به علمای منحرف تلاش بسیاری کرد (حکیم و همکاران، ۱۴۲۵ق، ج ۱۰: ۷۳). جالب اینکه در این شرایط و در حالی که خاندان پیامبر ﷺ و پیروان‌شان تحت شدیدترین سخت‌گیری‌ها قرار داشتند، یهودیان، مسیحیان، ملحدان، زندیقان و بوداییان آزادانه فعالیت می‌کردند.

بررسی جریان‌های فکری^(۴) و سیاسی فعال در دوران امام رضا (علیه السلام) بیانگر فعالیت‌های گسترده گروه‌های مختلفی است که هر یک در تضاد با گروه‌های دیگر و گاه حاکمیت قرار داشتند و در نتیجه فضای جامعه همواره پر از تشتت و اختلافات بود. این جریان‌ها در قالب دو گروه عمده جریان‌های اسلامی و غیراسلامی بودند. جریان‌های اسلامی شامل

دو گروه اصلی شیعه و اهل سنت می‌شد که البته هر یک تنوع بسیاری داشتند و عموماً در حال نزاع با یکدیگر بودند.

جریان‌های فکری شیعی دارای تنوع بسیاری بود. گروه‌هایی از قبیل امامیه، اسماعیلیه، زیدیه و... جریان‌های فکری سنی پیکره اصلی جامعه را تشکیل می‌دادند و معمولاً پیوند استواری با نظام حاکم داشتند. تجلی آنان در دو گروه عمده کلامی و فقهی بود. مهم‌ترین جریان‌های کلامی اهل سنت خوارج، جبریه، قدریه، معتزله و ظاهریه بودند که نفوذ زیادی در میان توده مردم نداشتند و معمولاً میان این گروه‌ها و فقه‌های اهل سنت رقابت وجود داشت. ائمه شیعی نیز در مواجهه با تفکرات آن‌ها به تبیین موضوعات کلامی، نظیر جبر و اختیار، مسئله خلق قرآن، حقانیت و عدم تحریف قرآن اهتمام داشتند (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۵: ۸۳۱). جریان‌های فقهی اهل سنت، شافعی، حنفی، مالکی و حنبلی بودند که گاه با عناوین خاصی از قبیل «اهل حدیث»، «جماعت»، «عامه» و با گذشت زمان همگی آنان با عنوان «اهل سنت» شناخته شده‌اند (پاکتچی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۴۷۴-۴۷۵).

جریان‌های غیراسلامی شامل جریان‌های دینی و غیردینی می‌شدند؛ جریان‌های مهم دینی مجوس، مسیحیت، یهود و... اهل کتاب از دوره فتوحات اسلامی در میان مسلمانان، اسرائیلیات و شبهات گوناگونی را می‌پراکندند؛ با وجود تلاش امامان (علیهم‌السلام) در مبارزه با این باورها، نحوه برخوردشان با اینان به دور از خشونت و بر پایه سعه صدر و هدایتگری بود (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۴۲۲).

جریان‌های غیردینی در اشکال مختلف ولی بیشتر در قالب زنادقه و دهریه فعالیت می‌کردند. تمرکز آنان بر سست کردن عقاید و رواج فساد در امت اسلامی بود و درباره توحید شبهه افکنی می‌کردند (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۱۹۹-۲۰۰).

۱-۳. ولایت عهدی امام، فرصت یا تهدید در رویارویی با موج‌های مستمر اختلافات

حضور امام رضا (علیه‌السلام) در ایران در تاریخ امامت شیعه منحصر به فرد بود. تحمیل مقام

ولایت‌عهدی بر ایشان در حالی انجام شد که همواره خلفای اموی و سپس عباسی از جمله پدر و اجداد مأمون با امامان شیعه و خاندان‌شان از ذریه فاطمه (علیها السلام) به شدت دشمنی داشتند و آنان را بی‌رحمانه سرکوب می‌کردند. این اقدام مأمون خارج از عرف خلافت عباسی و بسیار عجیب به نظر می‌رسید (شاهرخی، ۱۳۹۹: ۷۸).

حضرت رضا (علیه السلام) مسئولیت امامت را برعهده داشت. از این‌رو، هیچ موضوعی، از جمله ولایت‌عهدی، نمی‌توانست در چهارچوب و کارکرد مسیر فکری و هدایتی ایشان خللی ایجاد کند؛ با توجه به بحران اعتقادی و فکری و شیوع جریان‌های فکری التقاطی، بسیاری از قشرهای مختلف مردم گرفتار تردیدها و انحرافات شده بودند و از آنجا که ریشه اصلی اختلافات از نوع تفکرها نشئت می‌گرفت، اهتمام و تلاش امام نیز بیشتر بر محورهای فرهنگی (فکری و اعتقادی) متمرکز شد.

تحمیل مقام ولایت‌عهدی به ایشان می‌توانست در روند فعالیت‌ها و اقدامات ایشان تاثیر بگذارد، زیرا هجرت به ایران و طی مسیر طولانی از مدینه به مرو و استقرار در پایتخت موجب شد تا بیشتر در معرض دید مردم و نخبگان جامعه قرار گیرد و اشخاص بیشتری در گستره سرزمین‌های پهناور خلافت اسلامی از اندیشه‌های آن حضرت و برخی مختصات شخصی او آگاهی یابند. نباید فراموش کرد که پذیرفتن مقام ولایت‌عهدی می‌توانست در صورت همراهی امام با خلیفه و رها کردن جایگاه معنوی‌شان موجب از دست رفتن پایگاه مردمی قبلی و حتی کمک به سیل موج اختلافات در جهان اسلام شود.

بررسی راهبردهای حضرت رضا (علیه السلام) گویای نهایت دقت و هوشیاری در این مسیر حساس و پرتلاطم است. ایشان با توجه به موقعیت و شرایط جدید، راهبردهای نوینی را در امور مختلف از جمله در معضل اختلافات در میان مسلمانان به کار گرفت. امام با مجموعه‌ای از رهنمودهای گفتاری و همچنین اقدامات عملی نه‌تنها برای دوران خود بلکه برای آینده نیز پی‌ریزی لازم را انجام دادند. این راهبردهای فرهنگی را می‌توان در قالب محورهای ذیل بررسی، مطالعه و ارزیابی کرد:

۱. راهبردهای اعتقادی

۲. راهبردهای علمی

۳. راهبردهای اجتماعی

۴. راهبردهای اخلاقی

۲. راهبردهای اعتقادی

امام رضا علیه السلام همچون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر اجدادش، مهم‌ترین چالش هر جامعه انسانی را در اندیشه و فکر آن‌ها می‌داند. اساسی‌ترین عامل تأثیرگذار در میان اندیشمندان و سپس عامه مردم نوع و شیوه نگرش آن‌ها به موضوعات مختلف بوده که به فعالیت‌ها و اقداماتشان جهت می‌داده است. با توجه به وجود برخی انحرافات فکری در میان مسلمانان که خود از عوامل اصلی گسترش اختلافات میان آنان شده بود و اینکه مبنای فکری و فرهنگی جامعه اسلامی را اعتقادات دینی آن‌ها تشکیل می‌داد، امام با اصلاح این باورها در جامعه می‌توانست بسترهای لازم را برای اصلاح فرهنگ و فضای فکری جامعه ایجاد کند و آن را در نیل به وحدت جامعه جهت دهد.

۲-۱. اتحاد ذیل یکتاپرستی (توحید)

پایه و اساس تفکرات همه ادیان الهی به‌ویژه اسلام بر توحید قرار گرفته است و همه مسلمانان در این باره به‌طور کلی اشتراک نظر دارند. امام سعی کرد با جلب توجه همه خدایپرستان و خصوصاً مسلمانان به این موضوع، گامی بسیار مهم در زدودن یا کاهش اختلافات در جامعه بردارد. از منظر امام، ریشه بسیاری از انحرافات و اختلافات در جامعه به‌سبب غفلت امت اسلامی از اساسی‌ترین مسئله اسلام یعنی توحید است؛ این اقدام بنیادی‌ترین عامل ایجاد وحدت اسلامی و دوری از اختلاف بود. ایشان در

فرصت‌های گوناگون از جمله در جمع مسلمانان و حتی در مناظره با دانشمندان اهل کتاب بر این موضوع تأکید ویژه‌ای داشتند. آن حضرت در جلسه‌ای مهم در جمع خاندان عباسی فرمود: مرحله اول در عبادت خدا، شناخت اوست و پایه و اساس شناخت خداوند منحصر به فرد دانستن اوست و قوام و اساس توحید این است که صفات را از ذات خداوند منتفی بدانیم (ابن بابویه: ۳۰۳)؛ آن حضرت با نقل روایتی از جد بزرگوارشان پیامبر ﷺ فرمود: خداوند متعال توحید را امن‌گاه خود می‌داند که هر که در آن وارد شود از عذاب او در امان است (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۳۴).

۲-۲. تبیین مفهوم امامت

تحقق وحدت یکتاپرستان و موحدان در جامعه انسانی تنها با پیروی از رهبران شایسته الهی امکان‌پذیر است. در غیر این صورت حتی چنانچه حاکمان، همچون خلفای اموی و عباسی، به یکتا پرستی تظاهر کنند باز هم محیط فکری جامعه به بستری برای رشد افکار انحرافی تبدیل خواهد شد. بررسی تاریخ اسلام گویای این واقعیت ناگوار است که غفلت بسیاری از خواص و همچنین اکثریت مسلمانان از موضوع بسیار مهم امامت، موجب ایجاد مشکلات بسیار خصوصاً گسترش تفرقه در میان مسلمانان شد؛ برای رفع این معضل، امام رضا (علیه السلام) از فرصت مناسبی که برای انتشار تفکرات ناب از پایتخت خلافت در ایران به دست آورده بود، نهایت سعی خود را کرد که به همگان بفهماند رستگاری، هدایت و اتحاد جامعه بشری تنها با امامت الهی قابل دستیابی است. ایشان با رهنمودها و استدلال‌های خود در فرصت‌های گوناگون از جمله در مناظره‌ها، گفته‌ها و نامه‌های خود تلاش کرد برداشت اشتباه برخی مسلمانان را درباره امامت برطرف کند.^(۵)

دقت در چگونگی طرح این موضوع از جانب ایشان می‌تواند اهمیت جایگاه امامت را تبیین کند، از جمله فرمودند: امام همچون خورشید درخشانی است که نورش جهان را فرا می‌گیرد و جایگاهش در افق به گونه‌ای است که نه دست‌ها بدان رسد و نه دیدگان توانندش دید (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۳۴۵-۴۳۴)؛ همچنین فرمودند: امامت زمام دین،

نظم‌بخش امور مسلمانان، صلاح دنیا، عزت مومنان و منبع رشددهنده اسلام است ... با وجود امام است که نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، صدقات و دیگر احکام تمام می‌شود و حدود برپا می‌گردد ... امام چونان خورشید نورافشانی است که با نور خود جهان را روشن می‌کند و آب گوارایی است که پس از تشنگی و عطش نوشیده می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۹۹-۲۰۳؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲: ۶۷۶-۶۸۱).

۲-۳. تاثیر رهنمودهای امام درباره منزلت امامت

رهنمودهای امام برای همه انسان‌ها بدون محدودیت زمانی بود. با وجود این، حتی در کوتاه‌مدت و در دوران اقامت ایشان در ایران بازخورد این روشنگری بر تشخیص مدعیان دروغین امامت در میان شیعیان اثر نهاد؛ در نتیجه، جریان‌های فرصت طلب که در لوای تشیع از علاقه مردم به خاندان پیامبر ﷺ برای مقاصد خود سوءاستفاده می‌کردند، تضعیف و متقابلاً سبب تقویت تشیع اثنی عشری در جهان اسلام و به‌ویژه بین ایرانیان شدند (مظفر، ۱۳۸۶: ۲۷). در این فضای جدید محدثان و متذکران شیعه، معارفی را که تا آن روز جز در خلوت نمی‌شد به زبان آورد، در جلسات درسی بزرگ و مجامع عمومی بر زبان راندند (زریاب‌خوئی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۳۶۶).

بعد دیگر تاثیر سخنان امام ارتقا و تکمیل معرفت مردم از جایگاه مقام امام در تحقق کلام وحی در جامعه بود. ایشان فرمودند: به تحقیق امام، زمام دین و موجب نظام مسلمانان و صلاح دنیا و عزت مؤمنان است ... امام امین خداست در زمین و میان خلقش و حجت اوست بر بندگانش و جانشین او در شهرها که دعوت کننده به سوی خدا و دفاع کننده از حریم خداست. هیچ کس هم‌پایه او نیست و عالمی با او برابری نتواند کرد (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۵: ۴۶۰-۴۶۵). حمایت آحاد مردم می‌توانست موجب اجتماع همگان تحت رهبری ائمه شیعه شود که به دور از دنیاپرستی خواهان اجرای قرآن و سنت در جامعه اسلامی بودند.

۴-۲. افشای افکار و فرقه‌های منحرف

شکل‌گیری و گسترش گروه‌های گمراه و باورهایشان یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد تفرقه و دشمنی در میان مسلمانان بوده است. این جریان‌ها معمولاً با طرح افکار انحرافی و با برداشت‌های خودخواهانه از قرآن و سنت و همچنین با التقاط افکار اسلامی با دیگر آیین‌ها، افراد بسیاری را فریفته بودند. آثار و نتایج فعالیت‌های گسترده این افراد و فرقه‌های منحرف در دوران بنی عباس به اوج خود رسید و موجب کشتارها و آسیب‌های بی‌شماری در جامعه اسلامی شد. مناسب‌ترین شیوه برای مبارزه با این مکاتب و مذاهب انحرافی و التقاطی ارائه نگرش اصیل اسلامی با بهره‌مندی از قدرت استدلال قوی و منطق بود؛ همان روشی که امامان معصوم (علیهم السلام) از جمله امام رضا (علیه السلام) همواره در دستور کار فعالیت‌های فرهنگی خود داشتند.

امام در این زمینه، اقدامات فرهنگی دقیق، عمیق و اثرگذاری انجام داد. از ایشان نقل شده که فرمود: «در حرم پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌نشستم که دانشمندان مدینه اجتماع می‌کردند. هر کدام در مسئله‌ای فرو می‌ماندند همگی اشاره به من می‌کردند و پیش من می‌فرستادند؛ پس جواب آن‌ها را می‌دادم (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۹: ۱۰۰). آن حضرت در زمان اقامت در مرو نیز به رفع این مانع جدی وحدت مسلمانان اهتمام ویژه داشت و اشکالات باورهای انحرافی را تبیین می‌کرد؛ ایشان عقایدی را که برای خدا جسم تصور می‌کردند، رد کردند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۱۱۷)، همچنین عقاید جبریه و مفوضه‌رارد و مسئله جبر و اختیار را به شکل درست آن بیان کردند (همان، ج ۱: ۱۲۶).

یکی از مهم‌ترین عوامل انحراف در میان مسلمانان تعداد زیادی از احادیث جعلی بود که به پیامبر (صلی الله علیه و آله) نسبت داده می‌شد؛ امام بر اهمیت و حساسیت لزوم صیانت از کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله) و تحریف نشدن آن بسیار تأکید بسیار و تحریف‌کنندگان کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله) را لعن کرد (همان: ۱۲۶)؛ متأسفانه دامنه تحریف محدود به کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله) نشد، بلکه به سوءبرداشت از آیات قرآنی نیز کشیده شده بود. در این باره نیز امام فعالیت‌های مختلفی انجام داد و به خصوص اقدام به تفسیر قرآن کرد (عطاردی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱: ۳۱۰)؛ ایشان

همچنین غالیان را که درباره برخی امامان غلو می‌کردند و جنبه خدایی برای آنان قائل بودند، مورد لعن قرار داد و کافر قلمداد کرد (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۰۳).

۳. راهبردهای علمی

بخش مهمی از فعالیت‌های امام در حوزه مسائل فرهنگی به‌طور عام یا اعتقادی به‌طور خاص در قالب فعالیت‌های متنوع علمی انجام شد که ضرورت دارد تبیین و بررسی شود.

۳-۱. افزایش آگاهی مردم و تشویق به پرسشگری و اندیشیدن

بخش مهمی از اختلافات مسلمانان به دلیل ناآگاهی و برداشت‌های غلط از دین بوده است. بدیهی است که تشویق به طرح افکار و پاسخگویی به اشکالات و شبهات، موجب افزایش آگاهی و کاهش تعصبات جاهلی می‌شد و ضمن نزدیک کردن آرا و عقاید امکان نیل به وحدت را فراهم می‌کرد. امام با تشویق همگان به آگاهی و نکوهش نادانی و جهل سعی کرد این عامل بسیار مهم در تکوین و استمرار اختلافات در جامعه اسلامی را تضعیف کند؛ آن حضرت با استناد به کلام پیامبر اکرم عَلَيْهِ السَّلَام درباره اهمیت پرسش کردن، چنین فرمود: «علم گنجینه است و کلید آن پرسیدن است. پس سؤال کنید. خدا شما را رحمت کند زیرا چهار طایفه اجر داده می‌شوند، سؤال کننده، جواب‌دهنده، شنونده و کسی که آن‌ها را دوست داشته باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۴: ۱۴۶).

اثر دیگر فضای پرسشگری و آزاداندیشی فراهم شدن امکان اظهار نظر و عقیده به‌ویژه از طرف مخالفان و منتقدان و همچنین تصحیح برداشت‌های سطحی آنان درباره موضوعات علمی و اخلاقی بود. ایشان با استفاده از منطق، استدلال محکم و در فضایی آرام و محترمانه ابعاد اشکالات این افکار و عقاید را بیان کرد. پاسخ امام منحصر به سؤال‌ها و شبهات خداپرستان نبود، بلکه همین رویه را با کافران، زنداقه و دهریون نیز در پی گرفت. در این باره، می‌توان به اثبات عقلانی توحید توسط ایشان در پاسخ به یک زندیق که

برهانی بر اثبات وجود خداوند می خواست، اشاره کرد که در پاسخ با تاکید بر برهان نظم فرمودند:

«من چون به جسد خود نظر افکندم و امکان کم و زیاد کردن در آن و نیز دفع زیان‌ها و جلب منافع را برای آن در خود نیافتم، پس دانستم که این ساختمان را سازنده‌ای است و بدین سان به وجودش اقرار کردم. علاوه بر اینکه می‌بینم گردش افلاک به قدرت او و پیدایش ابرها و حرکت بادها و جریان خورشید و ماه و ستارگان و دیگر نشانه‌های شگفت‌آور و روشن را به دست او یافتم، دانستم که از برای تمام این‌ها، گرداننده و پدیدآورنده‌ای وجود دارد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۷۸-۷۹).

۲-۳. تربیت شاگردان با شاخصه‌های لازم

امام رضا (علیه السلام) همچون دیگر امامان توجه خاصی به پرورش شاگرد کرد و با انتقال علم و اخلاق در کنار دیگر آموزه‌های ضروری آنان را برای آگاه کردن مردم در مسیر اسلام راستین و بازداشتن از باورها و راه‌های انحرافی آماده کرد. در واقع شاگردان امام بازوی دیگر ایشان برای کاهش اختلافات بودند؛ با توجه به محدودیت دسترسی مردم مناطق مختلف به امام و نبود امکانات رسانه‌ای مناسب در آن زمان، یکی از کارآمدترین روش‌های ارتباط با مردم از طریق افرادی از خودشان بود. نگاهی به اسامی برخی شاگردان ایشان بیانگر حضور افرادی از سرزمین‌های مختلف از جمله از ایران است، از میان آن‌ها می‌توان به احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی، محمد بن فضل ازدی کوفی، حسن بن علی خزاز معروف به «وشاء»، خلف بصری، محمد بن سنان، حماد بن عثمان الناب، حسن بن سعید اهوازی، محمد بن سلیمان دیلمی بصری و عبدالله بن مبارک نهاوندی اشاره کرد (امین عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۲۶).

۳-۳. ایجاد فضای علمی در مناظره‌ها و تاثیر آن در نیل به وحدت

درباره مناظره‌های امام (علیه السلام) مطالب بسیاری نقل شده که در این پژوهش به تکرار آن‌ها

نیاز نیست، اما شایسته است به فضای علمی این جلسات هم اشاره‌ای شود. هر چند محور مباحث آن حضرت در مناظره‌ها بر طرح موضوعات اعتقادی و کلامی قرآن بود، اما روش ایشان بیان مباحث در قالب منطق عقلانی بود تا اثر لازم در مخاطب ایجاد شود. رعایت نهایت احترام به شخص یا اشخاص مقابل و خودداری از تمسخر باورهای آن‌ها در کنار دانش گسترده و احاطه علمی کامل ایشان موجب شد تا این جلسات به جای محل افزایش اختلافات و مجادله‌های اعتقادی به محافل دوستانه علمی سودمندی تبدیل شود.

مناظره‌ها موجب شد که ابعادی از علم و شایستگی امام بر دیگران ظاهر شود و گاه دانشمندان مسلمان و غیرمسلمان به این موضوع اعتراف کنند، حتی مامون نیز خطاب به ایشان گفت: «ابوالحسن در روی زمین کسی نیست که این طور نیکو سخن گوید جز شخص شما» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۴۰). جاثلیق (رهبر مسیحیان) هم پس از مناظره با او گفت: «قسم به حق مسیح که گمان نمی‌کردم در میان مسلمانان کسی مثل تو باشد» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۴۳).

۴. راهبردهای اجتماعی

نژادپرستی، قومیت‌گرایی و تبعیض‌های گسترده بر خلاف تعالیم اسلامی و سیره پیامبر ﷺ در جوامع اسلامی ریشه دوانده و خود از عوامل مهم گسترش اختلافات شده بود^(۷) بی‌اعتنایی و گاه نقش منفی خلفای اموی و عباسی در روند چالش‌های اجتماعی موجب شد تا این معضلات موجب آسیب‌های گسترده‌ای شوند. امام در این خصوص نیز همچون دیگر موضوعات احساس مسئولیت کرد و با توجه به موقعیت ولایت‌عهدی که در میان امامان منحصر به ایشان بود، گفتمان ایشان بازتاب بیشتری در جامعه یافت که نیاز به بررسی دارد.

۴-۱. راهبرد احترام متقابل، مدارا و تحمل اختلافات در سایه اشتراکات

وجود فرقه‌های مختلف که گاه یکدیگر را بی‌رحمانه هدف آسیب و آزار قرار می‌دادند،

بخش قابل توجهی از تاریخ قرون نخستین پس از اسلام را تشکیل می‌دهد، به‌ویژه پیروان اهل‌البیت (علیهم‌السلام) که همواره توسط حاکمان اموی و سپس عباسی و برخی گروه‌های افراطی تحت شدیدترین برخوردها قرار داشتند. حضور امام رضا (علیه السلام) با مقام عالی‌رتبه حکومتی و با علاقه خاصی که مامون به ایشان و خاندانش ابراز می‌کرد، بهترین فرصت برای انتقام و حتی سرکوب کامل سایر رقبای فراهم کرد، اما آن حضرت راه کشتار و سرکوب را در پیش نگرفت. انتظار از پیشوایان و عالمان همواره این بوده است که برای بیدار کردن عوام و کاهش تعصبات کورکورانه تلاش کنند؛ در حالی که بسیاری از این قبیل افراد از این وظیفه غفلت یا سرپیچی کردند، ولی امام از این طریق به آنان درس بزرگی دادند.

آن حضرت به یاران خویش تاکید کرد: «از تشمت، تفرقه و جدایی پرهیزید؛ زیرا موجب هدر رفتن همت و کم شدن ارزش و پایین آمدن قدر و منزلت شما شود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۵: ۵۳). ایشان همچنین جدایی از اجتماع مسلمانان و به کلام دیگر خروج از وحدت اجتماعی را همچون خارج شدن از امت مسلمان و بازگشت به جاهلیت دانست. در همین باره با استناد به سخنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «آنکه از جماعت مسلمانان جدایی جوید، بند اسلام را از گردن نهاده است و مرگی جاهلانه خواهد داشت» (همان، ج ۲۶: ۶۷).

احترام ویژه علما و مردم اهل سنت به حضرت رضا (علیه السلام) در موارد متعددی گزارش شده است. از جمله نقل شده: «در مسیر ایشان به طرف مرو در نیشابور، شیخ ابویعقوب اسحاق راهویه مروزی، با چندین هزار صدیق رفیق علی‌رغم کبر سن در پی پیشوا رفتند و نقل است که چند هزار دوات و قلم اعیان، اقتباس انوار اسرار افاده ایشان می‌کردند» (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۰۸). اینکه عالم سرشناس سنی مذهب با وجود کهولت سن در سرزمین خود و در میان مریدانش چنین احترامی برای امام قائل می‌شود، حاوی نکات بسیاری است. البته رعایت منزلت و جایگاه امام در میان بسیاری از اهل سنت وجود داشته است،^(۸) چنان‌که در همین ماجرا یکی از بزرگان نیشابور در حالی که زمام مرکب حضرت را در دست داشت، به زبان فصیح می‌گفت: «که به روز قیام [نزد] ملک علام جل جلاله وسیله نجات و وسیله فلاح من این است که روزی در دنیا خادم و مهارکش مرکب حضرت سلطان خود بوده‌ام» (همان: ۲۰۸).

۴-۲. راهبرد رعایت کرامت انسان‌ها و حمایت از حقوق پیروان مذاهب و ادیان دیگر

هر چند معمولاً مردم به‌ناچار در برابر تحقیر و پایمال شدن حقوق‌شان مجبور به سکوت در برابر قدرت غالب بوده‌اند، اما در بسیاری موارد عکس‌العمل این موضوع گسترش و شکل‌گیری اختلاف، تنفر، جنگ و کشتار در میان جوامع مختلف بشری بوده است. در واقع، بخش مهمی از اختلافات و درگیری‌های میان انسان‌ها ریشه در تحقیر شخصیت و باورهای مردم به‌سبب عقاید آنان داشته است. قرآن مجید اهانت به پیروان دیگر ادیان و مذاهب را نکوهش می‌کند و می‌فرماید: «به معبود کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبادا آن‌ها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند» (انعام، ۱۰۸) حمایت از محرومان و رعایت حقوق و کرامت انسان مورد تأکید خاص کتاب آسمانی قرآن مجید و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار گرفت. قرآن می‌فرماید: «و به‌راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم» (انعام، ۷۰).

امام به‌دور از کینه و حس انتقام‌جویی نسبت به مخالفان توصیه اکید به رفتار نیک با سایر مسلمانان کرد و فرمود: «بدان که حق برادران واجب و فرض است. از خود و امواتان برای آنان سرمایه‌گذاری کنید و در هر چیزی که مساوات و برابری رواست با آنان به برابری و مساوات رفتار کنید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴: ۲۲۶). ایشان علاوه بر مسلمانان، بر رعایت حقوق غیرمسلمانان نیز تأکید داشتند. لذا پس از آگاهی از اینکه مردی زرتشتی هنگام مرگ وصیت کرده است که اموالش میان بینوایان و تهیدستان تقسیم شود و قاضی نیشابور آن اموال را میان مسلمانان تقسیم کرده است، به مامون فرمود: «زرتشتیان برای بینوایان مسلمان وصیت نمی‌کنند؛ نامه‌ای به قاضی نیشابور بنویس تا همان مقدار از مالیات‌های مسلمانان بردارد و به بینوایان زرتشتیان بدهد» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۸۲).

رعایت کرامت انسان‌ها و احترام به آنان موجب از بین رفتن کینه‌ها، نزدیک شدن قلوب به یکدیگر و ایجاد وحدت اجتماعی است. آن حضرت در عمل نیز کرامت همه مردم را رعایت کرد. از این رو درباره شیوه رفتارشان با همه مردم نقل شده است که: «هیچ گاه ندیدم که امام ابوالحسن الرضا علیه السلام کلمه‌ای به زبان کسی بگوید و نه سخن کسی را

پیش از پایان آن قطع کند و نه نیاز کسی را که می‌توانست برآورد، برنیارد. به دوستان و کارکنانش هرگز سخنی ناشایست نگفت. همه کارکنان و غلامان را بر سر سفره می‌نشاند حتی دربانان و مهتران را و بسیار نیکی می‌کرد» (همان، ج ۲: ۱۸۴). ایشان برخلاف عادت مرسوم در مجالس که صاحب منصبان، عالمان و اشراف در محل خاصی (شاه‌نشین) می‌نشستند، در هنگام ورود از نشستن در این مکان خودداری کرد؛ از آن به بعد چنین شد که دیگر شاه‌نشینان از ارزش و اعتبار افتادند و همگان در مجالس در کنار آن می‌نشستند و از امام رضا (علیه السلام) این روش و سیره اسلامی را آموختند (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۱۰).

۴-۳. عبادت‌های دسته‌جمعی و مکان‌های عبادی تبلور وحدت ایمانی

انجام برخی عبادت‌ها و برنامه‌های دین اسلام به شکل ترجیحی یا الزامی عمومی راهبردی تاثیرگذار در جلب قلوب مسلمانان به یکدیگر و پرهیز از اختلاف است. برگزاری برخی تکالیف دینی از قبیل حج، نماز جماعت و برخی موارد دیگر در مکان‌های مقدس بسترساز همدلی و رفع بدبینی‌ها، نفرت‌ها و متقابلاً افزایش محبت و همدلی میان مسلمانان است. امام رضا (علیه السلام) برای بیان حکمت‌های نماز جماعت محورهایی ذکر کرده است که برخی از آن‌ها به این موضوع ارتباط دارد. از جمله می‌فرماید: «برای آن که گواهی دادن مردمان به مسلمانی یکدیگر ممکن باشد و مساعدت در نیکوکاری و تقوا و جلوگیری از بسیاری از نافرمانی‌ها و گناه‌ها که با حضور در جماعت همراه است (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۶۲). تجلی اثرگذاری عبادت‌های گروهی در اجتماع پرشور جامعه اسلامی در جریان درخواست مامون از امام برای برگزاری نماز عید فطر سال ۲۰۲ قمری در مرو است که پس از آگاهی از شور و اشتیاق بی‌سابقه مردم پشت سر امام و صدای تکبیرشان به دنبال و پشت سر وی، مأمون دستور داد تا حضرت را از نیمه راه بازگردانند (اربلی، ۱۳۶۴، ج ۳: ۱۰۶-۱۰۷).

۵. راهبردهای اخلاقی

اخلاق و حسن رفتار نقش غیرقابل انکاری در جذب مردم و کاهش تنش‌ها دارد. البته

معمولاً به این موضوع در تحلیل‌ها کمتر توجه می‌شود و موضوعات سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی محور قرار می‌گیرد. جالب اینکه خداوند متعال علت جاذبه و اجتماع مردم در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در اخلاق ایشان می‌داند و می‌فرماید: «پس تو به لطف و رحمت الهی با آنان نرم خوش‌شدی و اگر درشت‌خوی و سخت‌دل بودی بی‌شک از گرد تو پراکنده می‌شدند» (آل عمران، ۱۵۹).

۱-۵. اخلاق گفتاری نیک امام و تاثیر فوق‌العاده آن در جذب مخالفان

خوش‌اخلاقی و مهربانی امام در قالب مهربانی، گذشت و اخلاق نیک با همگان حتی با دشمنان در زندگانی ایشان کاملاً مشهود است و بازخورد مناسب آن بر مخالفان گاه از سایر عوامل بیشتر بود. به‌عنوان نمونه با اینکه در مناظره‌ها تلاش همگان معمولاً غلبه بر رقیب به هر شکل ممکن است، اما آن حضرت فارغ از این موضوع با خوش‌رفتاری و حسن خلق به رقیب خود آرامش می‌داد؛ چنان‌که با وجود پافشاری عمران صائبی بر عقایدش، امام به‌دور از هرگونه بداخلاقی حتی به او احترام و تکریم کردند و به او چند جامه و چند هزار درهم عطا فرمودند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰: ۳۱۸). عمران نیز با وجود آنکه در آن دوران از فیلسوفان مشهور به‌شمار می‌رفت، در برابر آن حضرت فروتن بود و ایشان را با تعبیری چون سیدی و مولای خطاب می‌کرد (همان، ج ۱۰: ۳۱۵).

۲-۵. اخلاق کرداری امام و به‌ویژه گشاده‌دستی و کمک به محرومان

مهربانی چنانچه علاوه بر گفتار، جنبه عملیاتی پیدا کند، اثری سودمند در همدلی و رفع کینه در جامعه دارد؛ بخشش مال یکی از مهم‌ترین مصادیق جذب مردم است که امام بارها انجام می‌داد. از جمله در خراسان در روز عرفه، تمام اموال خود را (میان مردم و نیازمندان) تقسیم کرد. در این هنگام فضل بن سهل گفت: این کار با خسران توأم است. حضرت فرمود: بلکه چنین کاری قرین با غنیمت و منفعت است، آنچه را که برای دستیابی به پاداش الهی و کرامت انسانی بخشیدی، زیان و غرامت تلقی مکن (همان،

ج ۴۹: ۱۰۰). امام به نقل از جدشان پیامبر ﷺ فرمودند: «اوج خردمندی بعد از ایمان به خدا دوستی با مردم و نیکوکاری نسبت به هر انسان نیکوکار و بدکاری است» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۳۵).

محبت امام فقط شامل مسلمانان نبود. زکریا فرزند آدم از یاران ایشان می گوید: از امام پرسیدم مردی از اهل ذمه (غیرمسلمان ساکن در سرزمین های اسلامی) که به فقر و گرسنگی مبتلا شده بود، فرزندش را آورد و گفت: فرزندم مال تو، او را خوراک بده و او برده تو باشد، امام فرمود: (انسان) آزاد خریداری و فروخته نمی شود این کار شایسته تو نیست، از ذمیان نیز روا نخواهد بود (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۷: ۷۷). اباصلت می گوید: به امام رضا (علیه السلام) گفتم: ای فرزند رسول خدا این موضوع چیست که شما فرموده اید مردمان بردگان شمایند. امام پاسخ داد: خداوند تو گواهی که من هیچ گاه چنین سخنی نگفته ام و از هیچ یک از پدرانم نیز نشنیده ام که چنین گفته باشند، پروردگارا تو به ظلم هایی که از این امت بر ما رفته است آگاهی داری و این (تهمت) از آن هاست (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۱۸۴): همچنین امام به نقل از پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «از ما نیست هر کس که در کار مسلمانی غش به کار برد یا به اوزبان رساند یا با او به نیرنگ رفتار کند» (قمی، ج ۲: ۳۱۸).

۶. نتیجه گیری

یکی از مهم ترین آرمان های دین اسلام ایجاد وحدت و همدلی در میان همه انسان ها بود. متأسفانه این موضوع با غفلت جامعه از رهبریت خاندان پیامبر ﷺ از زمان رحلت آن حضرت به بعد دچار چالش جدی شد. امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در اواخر قرن دوم هجری از جانب مامون، خلیفه عباسی به شهر مرو - پایتختش در ایران - فراخوانده و به اجبار منصب ولایت عهدی را عهده دار شد. در این زمان مسلمانان به فرقه ها و گروه های مختلفی تقسیم شده و معمولاً با تکفیر یکدیگر در حال جنگ و نزاع با هم یا با خلافت بودند. در حالی که اختلاف و کشتار در جامعه اسلامی بیداد می کرد، امام با طرح ایده ها و اقدامات متعدد در قالب راهبردهای فرهنگی، گام های استواری برای ایجاد وحدت در

جامعه اسلامی برداشت. بدیهی است که این میراث ارزشمند که در مسیر نقشه راه امامان معصوم (علیهم السلام) بود و شرایط خاص دوران حضرت رضا (علیه السلام) هم در آن لحاظ شده بود، برای همیشه در قالب يك الگوی ارزشمند و جاودانه باید مورد توجه و بررسی قرار گیرد.

از منظر امام، مسئله وحدت موضوعی مبنایی و اساسی بود و ریشه در نوع تفکر و باورهای جامعه اسلامی داشت؛ بنابراین ایشان با استناد به قرآن مجید و سیره نبوی با طرح راهبردهای فرهنگی به بازسازی و پی‌ریزی بنیان فکری جامعه برای نجات از اختلافات و کشتارهای داخلی و نزدیک کردن قلوب مردم به یکدیگر پرداخت.

مهم‌ترین راهبردهای فرهنگی آن حضرت برای نیل به این هدف مهم، رهایی از فرهنگ جاهلی التقاطی حاکم بر جامعه و توجه به فرهنگ قرآن و سنت نبوی بود؛ در این زمینه، اصل توحید که مبنا و محور دعوت همه پیامبران الهی بود و همچنین عموم مسلمانان به آن اعتقاد ظاهری داشتند، اما بسیاری از محتوای آن غافل بودند مورد تاکید امام قرار گرفت. ایشان تحقق توحید در حیات دنیوی انسان‌ها را منوط به پیروی آگاهانه از امامان معصوم (علیهم السلام) دانست و آن‌ها را اساس وحدت حقیقی جامعه قلمداد کرد. با توجه به غلبه تعصبات کورکورانه و برداشتهای نابجا از تعالیم دین گام دیگر ایشان برای وحدت، جلب نظر مردم و دادن آگاهی به آنان از طریق پرورش شاگرد، پاسخ به سوالات، گفت‌وگو و مناظره با دانشمندان بود. امام همچنین رعایت جایگاه و کرامت انسان‌ها را در حفظ همبستگی عمومی ضروری و حمایت از حقوق عامه مردم موجب کاهش اختلاف دانست. در راهبردهای امام، نزدیک شدن رهبران و بزرگان به مردم و کاهش فاصله‌ها بین آن‌ها، دو گام مهم دیگر برای نیل به همبستگی است و سرانجام مبارزه ایشان با افکار منحرف، التقاطی و اختلاف‌برانگیز بود که زمینه گرایش برخی مردم به آن‌ها و در نتیجه کشمکش و درگیری بیشتر را کم می‌کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. وقایع و تحولات مختلف که گاه برگرفته از مبانی مذهبی بود، منجر به ظهور گروه‌های مهمی از قبیل خوارج، مرجئه، معتزله و موارد دیگر شد. گروه‌ها و افراد مختلف در ضرورت و عدم ضرورت امامت، راه ثبوت و دست‌یابی به این وظیفه و ملاک مشروعیت، محدوده زمانی و مکانی و وجوب آن و ویژگی‌ها و شرایط دینی، فردی و اجتماعی کسب چنین مقامی و جواز و عدم جواز معاصی از وی به کشمکش پرداختند و هرکدام راه خود را از دیگری جدا کردند (ابو زهره، ۱۹۹۶م: ۲۱؛ حنفی، ۱۹۸۸م، ج ۵: ۱۶۷ به بعد).
۲. منظور از وحدت، قرار دادن متن کلی اسلام بر اساس اعتقاد همه مسلمانان است و کنار گذاشتن عقاید شخصی، نظری و فرهنگ محلی و خصوصیات آرا و نظریات مربوط به هر یک از اجزای متن کلی دین که به تعقل و اجتهاد گروهی یا شخصی مربوط است. مقصود این است که با توجه به مشترکات بین همه طوایف و فرقه‌های اسلامی، نظیر اعتقاد به خداوند یگانه، پیامبر اسلام و کتاب الهی و قبله مشترک و اعتقاد به معاد و احکام اسلامی مانند نماز، روزه، حج و زکات، همه با همدلی با یکدیگر همکاری کنند (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۲۵: ۲۶-۲۷).
۳. از جمله نقل شده «رشید که شراب در او اثر کرده بود آوازی مطرح کرد» (مسعودی، ۱۳۴۹، ج ۲: ۳۶۳).
۴. جریان فکری، تشکل و جمعیت اجتماعی است که از مبانی اندیشه‌ای برخوردار است؛ مبانی اندیشه‌ای در جریان‌های شناخته شده، ممکن است رویکرد فلسفی یا کلامی، شرقی یا غربی داشته باشد (خسروپناه، ۱۳۸۹: ۱۰).
۵. امام در فرصت‌های متعددی به روشننگری در خصوص مسائل مرتبط با امامت پرداخت. از جمله در مجلسی در حضور مأمون که تعدادی از دانشمندان و عالمان فرقه‌های مختلف حضور داشتند از ایشان سوال شد که چگونه امامت بر مدعیان آن مقام اثبات می‌شود؟ در پاسخ فرمودند: از طریق نص و دلیل؛ آن‌ها باز سوال کردند چیزی که بر امامت آن شخص دلالت دارد چیست؟ فرمودند: علم و مستجاب‌الدعوه بودن (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۰۰).
۶. برخی از اصحاب امام بخش‌هایی از این مناظرات را گزارش کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به «مجالس الرضا مع اهل الادیان» از «حسن بن محمد بن سهل نوفلی» و «حسین بن محمد بن فضل» (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۷ و ۵۷) و «مناظرات علی بن موسی الرضا (علیه السلام)» از «عبدالعزیز بن یحیی جلودی ازدی بصری» (خویی، ۱۳۷۱ق، ج ۱۱: ۴۶-۴۷) اشاره کرد.
۷. دین اسلام به همه ملت‌ها و اقوام مختلف به یک چشم می‌نگرد. به همین منظور در قرآن هیچ خطابی به صورت «یا ایها العرب»، «یا ایها القرشیون» وجود ندارد (مطهری، ۱۳۶۲: ۶۸).
۸. درباره احترام اهل سنت به حضرت رضا (علیه السلام) شواهد بسیاری وجود دارد. تعداد زیادی از عالمان سنی مذهب در فضیلت ایشان سخن گفته و دانش، اخلاق و کرامات او را ستوده‌اند (مرعشی نجفی، ۱۴۱۵ق، ج ۲۸: ۵۹۰). مزار امام نیز مورد احترام اهل سنت بوده است. چنان‌که ابن حاتم تمیمی (م ۳۵۴) می‌گوید: ابوالحسن از بزرگان اهل بیت و اندیشمندان آن‌ها بود و واجب است حدیث او معتبر شمرده شود. وی در ادامه به نقل زیارت مزار امام می‌پردازد و می‌گوید: «من بارها او را زیارت کردم و در زمان اقامت در توس هر گاه مشکلی برآیم پیش آمد به زیارت ابوالحسن می‌رفتم و خدای را می‌خواندم و حتماً شدت و نگرانی از من برطرف می‌شد؛ این مسئله‌ای بود که من بارها آن را آزمودم» (همان: ۵۹۴)؛ همچنین ملکشاه سلجوقی (قرن ششم هجری) از سلاطین سنی مذهب که پایتخت او در اصفهان بود، برای سرکوب شورش برادرش در خراسان در بین راه به زیارت مشهد الرضا رفت و در مسجد بالاسر حضرت نماز خواند و دعا کرد (ابن اثیر، ۱۴۰۲ق، ج ۱۰: ۲۱۱).

منابع و مأخذ

- قرآن مجید.
- نهج البلاغه. (۱۳۷۸). گردآوری سیدرضی. ترجمه مصطفی زمانی. تهران: نبوی.
- آراسته خو، محمد. (۱۳۷۰). فرهنگ اصطلاحات علمی-اجتماعی. تهران: گستره.
- آشوری، داریوش. (۱۳۵۷). تعریف‌ها و مفهومی فرهنگ. تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
- ابن اثیر، عزالدین علی بن ابی‌الکرم. (۱۴۰۲ق). الکامل فی التاریخ. بیروت: دارصار.
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمدبن علی. (بی‌تا). التوحید. قم: جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیه.
- _____ . (۱۳۸۵). علل الشرائع. قم: کتابفروشی داوری.
- _____ . (۱۳۷۸ق). عیون اخبار الرضا. قم: جهان.
- _____ . (۱۳۹۵ق). کمال الدین. قم: دارالکتب الإسلامیه.
- ابن شعبه حرانی، ابو محمد حسن بن علی. (۱۳۸۵). تحف العقول عن آل الرسول. ترجمه صادق حسن زاده. قم: آل علی.
- ابن هشام، عبدالملک. (۱۳۷۴ق). السیره النبویه. تحقیق مصطفی سقا و دیگران. مصر: مطبعة مصطفی البابی الحلبي.
- ابو زهره، محمد. (۱۹۹۶). تاریخ المذاهب الاسلامیه. قاهره: دارالفکر العربی.
- اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۶۴). کشف الغمه. قم: ادب الحوزه.
- امین عاملی، سید محسن. (۱۴۰۳ق). أعیان الشیعه. بیروت: دارالتعارف.
- انوری، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
- بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۴۲۴ق). انساب الاشراف. تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی. بیروت: دارالفکر.
- بیهقی، ابوبکر احمدبن حسین. (۱۴۱۴ق). سنن الکبری. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- پاکتچی، احمد. (۱۳۷۲). «اهل سنت و جماعت» در دایره المعارف بزرگ اسلامی. زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله. (۱۳۷۵). تاریخ نیشابور. ترجمه محمدحسین خلیفه نیشابوری. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگه.
- حکیم، سید منذر و جمعی از نویسندگان. (۱۴۲۵ق). اعلام الهدایه. ج ۱۰ (الامام علی بن موسی الرضا علیه السلام). چاپ دوم. قم: المجمع العالمی لاهل البيت علیهم السلام.
- حکیمی، محمد. (۱۳۹۴). امام رضا علیه السلام؛ زندگی و اقتصاد. مشهد: آستان قدس رضوی.
- حنفی، حسن. (۱۹۸۸م). من العقیده الی الثورة. قاهره: مکتبه مدبولی.
- خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۶). هدایت ولایت. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- خسرو پناه، عبدالحسین. (۱۳۸۹). جریان‌شناسی فکری ایران معاصر. قم: موسسه فرهنگی حکمت نوین اسلامی.
- خوئی، ابوالقاسم. (۱۴۱۳ق). معجم رجال الحدیث. چاپ پنجم. بی‌جا: بی‌نا.
- درخشه، جلال؛ حسینی فائق، سیدمحمد مهدی. (۱۳۹۲). سیاست و حکومت در سیره امام رضا علیه السلام. مشهد: بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا علیه السلام.

- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷) لغت‌نامه. زیر نظر محمد معین. تهران: دانشگاه تهران.
- راش، مایکل (۱۳۷۷). جامعه و سیاست مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: سمت.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد. (بی تا). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
- روشندل، جلیل. (۱۳۷۰). «تحول در مفهوم استراتژی». مجموعه مقالات اولین سمینار بررسی تحول مفاهیم. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- زریاب خونی، عباس. (۱۳۶۹). دایره‌المعارف تشیع. تهران: سازمان دایره‌المعارف تشیع.
- شاهرخی، سید علاء‌الدین. (پاییز ۱۳۹۹). واکاوی روابط فضل بن سهل با امام رضا (علیه السلام). فصلنامه شیعه‌شناسی. سال هجدهم. شماره ۷۱. صص: ۷۳-۹۶.
- طبرسی، ابومنصور احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). الاحتجاج علی اهل اللجاج. مشهد: مرتضی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۶۴). تهذیب الاحکام. چاپ حسن موسوی الخراسان. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- عطاردی، عزیزالله. (۱۴۰۶ق). مسند امام‌الرضا (علیه السلام). مشهد: آستان قدس رضوی.
- عمید، حسن. (۱۳۷۷). فرهنگ عمید. تهران: امیرکبیر.
- الفراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۸ق / ۱۹۸۸م). کتاب العین. تحقیق الدكتور مهدی المخزومی، الدكتور ابراهیم السامرائی. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبه‌الله. (۱۴۰۹ق). الخرائج والجرائح. قم: موسسه امام مهدی.
- قمی، شیخ عباس. (بی تا). سفینه البحار. تهران: کتابخانه سنایی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- لمان، زمان. (۱۳۵۲). اصول روان‌شناسی. ترجمه محمود ساعتچی. تهران: امیرکبیر.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- صالحی، محمد و دیگران. (۱۳۸۴). سیره امام رضا (علیه السلام). قم: دارالهدی.
- مرعشی‌النجدی، شهاب‌الدین. (۱۴۱۵ق). ملحقات الاحقاق. قم: مکتبه الآیة الله المرعشی.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. (۱۳۴۹). التنبيه والاشراف. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۲). خدمات متقابل ایران و اسلام. تهران: صدرا.
- _____ (۱۳۸۳). شش مقاله. چاپ هفدهم. قم: صدرا.
- _____ (۱۳۸۱). مجموعه آثار. ج ۲۵. تهران: صدرا.
- مظفر، محمدحسین. (۱۳۸۶). تاریخ شیعه. ترجمه سیدمحمدباقر حجتی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- مفید، محمد بن نعمان. (۱۴۱۳ق). الارشاد. قم: کنگره شیخ مفید.
- نجاشی، احمد بن علی. (۱۴۰۷ق). فهرست اسماء مصنفی الشیعه. قم: جامعه مدرسین.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (۱۳۷۳ / ۱۴۱۴ق). تاریخ یعقوبی. قم: منشورات الشریف الرضی.